



دانشگاه جامع علمی کاربردی
مرکز دادگستری کل استان بوشهر

عنوان کار کلاس :

نکات کلیدی مدنی ۳ به زبانی آسان تر

برگرفته از نکات تاکید شده در کلاس استاد بزرگوارم جناب آقای کشکولی

مقطع کارشناسی حرفه ای حقوق – ارشاد در امور کیفری

استاد :

جناب آقای کشکولی

دانشجو :

مهدی زنده بودی

کد دانشجوی ۹۲۲۲۶۰۳۸۱۹۰۰۱۶

زمستان ۱۳۹۳



کاش نامت باران بود!

آنوقت تمام مردم شهر هم برای آمدنت دعا می کردند!...

الهم عجل لوليک الفرج

طواری دادرسی	۱: طواری دادرسی ناشی از ایرادات در دعوی اصلی	۱-۱: ایرادات ناظر به دادگاه	الف : صلاحیت ذاتی مبین صلاحیت دادگاه از حیث نوع، صنف و درجه می باشد.		۱-۱-۱ : ایراد عدم صلاحیت		
			ب : صلاحیت محلی: هنگامی که دو دادگاه از حیث ذاتی برابر اما بدلیل اختلاف در محل و مقر دادگاه صلاحیتشان در رسیدگی بدعاوی متفاوت گشته است				
		۱-۱-۲ : ایراد امر مطروحه و امر مرتبط: به عنایت به اصل لزوم جلوگیری از صدور آرا متعارض ۱ دعوا نباید در ۲ دادگاه رسیدگی ودعاوی مرتبط نبایده صورت متفرق وجدا در شعب رسیدگی شود.		۱-۲-۱ : ایرادات ناظر به صلاحیت خواهان			
		۱-۱-۳ : ایراد رد دادرسی: دادرسی قراربت سببی یا نسبی تا درجه ۳ ،قیم یا محذوم یا همسریا فرزند او وارث اصحاب دعوا باشد یا سابقا در دعوا عنوان دادرسی کارشناس، داور اظهار نظر نموده یا در حال دعوی حقوقی باشد					
		۱-۲: ایرادات ناظر به طرف دعوی	۱-۲-۱ : ایرادات ناظر به صلاحیت خواهان	الف : ایراد عدم اهلیت (صلاحیت) خواهان			
				ب : ایراد عدم احراز سمت خواهان			
				ج : ایراد ذی نفع نبودن خواهان			
				۱-۲-۲ : ایرادات ناظر به صلاحیت خوانده	الف : ایراد عدم اهلیت خوانده		
					ب : ایراد عدم احراز سمت خوانده		
					ج : ایراد عدم توجه دعوا		
۱-۳: ایرادات ناظر به خود دعوا (مربوط به دعوا)	۱-۳-۱ : ایرادات ناظر به موضوع دعوا	الف : ایراد فقد اثر قانونی					
		ب : ایراد عدم مشروعیت دعوا					
		۱-۳-۲ : ایرادات ناظر به شیوه طرح دعوا	الف : ایراد عدم جزمیت خواسته				
			ب : ایراد زمان اقامه دعوا				
		۱-۳-۳ : ایراد ناظر به سابقه طرح دعوا - ایراد امر مختومه یا ایراد اعتبار امر قضاوت شده	الف : مبنای و گستره امر مختومه یا ایراد اعتبار امر قضاوت شده				
			ب : شرایط اجرای قاعده اعتبار امر قضاوت شده	۱: وحدت موضوع دو دعوا			
۲ : وحدت اصحاب دو دعوا							
۳ : وحدت سبب دو دعوا							
۲: طواری دادرسی	۲-۱: طواری دادرسی ناشی از درخواست تامین خواسته در دعوا	۲-۱-۱ : مفهوم تامین خواسته	الف: تعریف: تامین عبارت است از توقیف اموال اعم از منقول و غیر منقول				
			ب: ماهیت تامین خواسته				
			۲-۱-۲ : شرایط صدور قرار تامین خواسته	الف: درخواست ذینفع و متقاضی			
		ب: قابل مطالبه بودن خواسته					
		ج: قابل تامین بودن خواسته					
		د: قابل توجیه بودن تامین					
		۲-۱-۳: آثار تامین خواسته	الف: اجرای تامین خواسته و چگونگی آن				
			ب: زوال تامین خواسته و آثار آن				
		۲-۲: تامین هزینه دادرسی	۲-۲-۱ : مفهوم و شرایط تامین هزینه دادرسی	۲-۲-۲: مواردی که در آنها تامین اخذ نمی شود	الف : امور حسبی		
					ب: دعاوی چک سفته و برات		
					ج : دعاوی مستند به اسناد رسمی		
					د: دعاوی علیه متوقف		
۲-۲-۳: طواری دادرسی ناشی از تامین در برابر دعاوی بیگانه	۲-۲-۴: هزینه دادرسی			۲-۲-۳: طواری دادرسی ناشی از تامین در برابر دعاوی بیگانه	الف : فلسفه تامین		
					ب: شرایط اخذ تامین		
					ج: مواردی که اتباع بیگانه استثناءا تامین اخذ نمی شود	۱: در کشورش ایرانی از دادن تامین معاف باشد	
						۲: دعاوی راجع به برات سفته و چک	
						۳: دعاوی تبعه خارجی متقابل باشد	
						۴: دعاوی مستند به سند رسمی	
						۵: دعاوی برائت آگهی رسمی اقامه شده است	

طواری دادرسی از طرح دعوی جدید	۱: طواری دادرسی از طرح دعوی جدید بین اصحاب دعوا	۱-۱: دعوی اضافی	الف: تعریف: <u>خواهان</u> طبق شرایط قانونی مقرر شده به قلمرو دعوی اصلی خود بیافزاید.	هر نوع تغییر در خواسته دعوا (کاهش افزایش)	اعم
			ب: شرایط: اقامه تا پایان جلسه اول ممکن است، تحقق ارتباط میان دعوی اضافی و داشتن منشأ واحد	تغییر نحوه دعوا یا خواسته <u>توسط خواهان دعوی</u> اضافی	اخص: اعمال نوعی تغییر در گستره موضوعی دعوا به صورت افزایشی که نیازمند تقدیم دادخواست جدید از طرف خواهان باشد
			الف: تعریف و ماهیت آن: دعوی که <u>خواننده دعوی اصلی</u> به منظور رسیدگی توأمان در پی دعوی خواهان مطرح می کند و با آن ارتباط کامل یا وحدت منشأ دارد. به آن دفاع تهاجمی گفته اند		
			ب: شرایط: رعایت تشریفات قانونی و تقدیم دادخواست ضروری می باشد و مهلت ارائه دادخواست آن <u>تا پایان جلسه اول رسیدگی</u> می باشد و بعد از آن به عنوان دعوی تقابل قابل قبول نیست		
طواری دادرسی از طرح دعوی جدید	۲: طواری دادرسی ناشی از طرح دعوی جدید با دخالت شخص ثالث	۲-۱: دعوی جلب شخص ثالث	الف: مفهوم و انواع: دعوی که از ناحیه هر یک از اصحاب دعوا (خواهان دعوی اصلی و هم خوانده دعوی اصلی) به طرفیت شخصی که در دعوا دخالتی ندارد و ثالث محسوب میشود عنوان گردد.		
			ب: شرایط دعوی جلب شخص ثالث و احکام خاص آن:	۱- <u>هر یک از اصحاب دعوا</u> که جلب ثالثی را لازم بداند، تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست ازدادگاه درخواست جلب اونماید. با تقدیم دادخواست طرح میشود	۲- در مرحله تجدیدنظر امکان تقدیم دعوی جلب ثالث میباشد. فقط یک مرحله
			الف: مفهوم و انواع: دعوی مطروحه <u>از جانب شخص ثالث به طرفیت اصحاب دعوی</u> در جریان رسیدگی را گویند. ممکن است شخص ثالث مستقلاً برای خود حقی قائل شود یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذینفع بداند		
			ب: شرایط و احکام: از ناحیه شخصی غیر از اصحاب پرونده مطرح می گردد و تا وقتی ختم دادرسی اعلام نشده است می تواند وارد دعوا گردد چه رسیدگی در مرحله بدوی یا تجدید نظر باشد. دادخواست و رونوشت مدارک و ضامنه باید به تعداد اصحاب دعوا + ۱ باشد و با دعوی اصلی مرتبط یا از یک منشأ باشند.		

طواری خارجی شخصی	طواری طبیعی شخصی	الف: فوت	۱: بر جریان دعوا نسبت به دیگران تاثیر دارد : دادگاه رسیدگی را با صدور قرار توقیف دادرسی به طور موقت متوقف و مراتب را به طرف دیگر جهت تعیین جانشین اعلام میدارد . دادرسی آن زمان متوقف می ماند و اگر قادر به این کار شد مکلف است از دادگاه تقاضای به جریان افتادن رسیدگی را بنماید .	
			۲: بر جریان دعوا نسبت به دیگران تاثیر ندارد : جریان دادرسی بدون توجه به فوت او نسبت به دیگران ادامه می یابد و به رای مقتضی منتهی می شود	
		ب: زوال اهلیت : مربوط به اشخاص حقیقی می باشد . زوال اهلیت که ناظر به اهلیت اسبفا یا تصرف می باشد در صورتی تاثیر قاطع در دادرسی دارد که این امور مانع دخالت در موضوع مورد دعوا باشد . لذا باید بررسی گردد زوال اهلیت و استیفا بر دادرسی موثر است یا خیر . مثلا اگر خواهان یا خوانده مجنون شوند تاثیر بر دادرسی قطعی است . ولی اگر هریک سفیه شوند و حکم حجر آنها صادر شود در دعوای مالی تاثیر بر دادرسی قطعی و الا جریان دادرسی به روال عادی خود ادامه می یابد .		
		۲: طواری حقوقی شخصی : زوال سمت : مربوط به اشخاص حقوقی می باشد و ممکن است شخص از لحاظ حقوقی سمت خود را در جریان دادرسی از دست بدهد		الف : دعوا به نماینده ب: دعوا به قائم مقامی شخص دیگر

* کسی که پس از رشد مهجور شود باید قیم او معرفی گردد و ولی او نمی تواند دعوا را به نمایندگی از او اقامه نماید.

* **ایراد در معنای عام** به هر گونه اعتراض خواه ماهوی یا شکلی، به دعوای طرف مقابل ایراد می گویند. در صورت وارد بودن ایرادات دادرسی حکم به رد دعوا صادر می کند و در نتیجه دفاع ماهوی تصمیم دادرسی به صورت حکم به بی حقی نمود می یابد.

* **تفاوت دفاع و ایراد:** ۱- ایراد نسبت به خود دعوا اما دفاع نسبت به موضوع دعوا مطرح می گردد. ۲- ایرادات مشخص و احصاء شده اند اما دفاع به دلیل تنوع موضوعات غیر محصور و گوناگون هستند

* **طواری دادرسی (اصطلاح)** عبارت است از کلیه رویدادهایی که در جریان دادرسی ممکن است اتفاق بافتد. امر طاری آن اتفاقی است که الزاماً در این جریان مطرح نمیشود بلکه به طور اتفاقی در دادرسی حادث می شود. طاری صفت بوده و در لغت به معنای آینده ناآگاه در آینده نا آگاه روی داده و عارض است.

ایراد عدم صلاحیت خواهان: خوانده می تواند تقاضای صدور قرار رد دعوای خواهان را به جهتی از جهت از قبیل صغر عدم رشد جنون و یا ممنوعیت از تصرف در اموال در حکم ورشکستگی از محضر دادگاه بنماید.

ایراد ذینفع نبودن خواهان: تنها کسانی می توانند طرح دعوا نمایند که در آن دعوا ذینفع باشند یا از طرف ذینفع نمایندگی داشته باشند.

ایراد عدم اهلیت خوانده: این ایراد توسط خود خوانده مطرح می گردد که از دادگاه می خواهد به دلیل نداشتن اهلیت قرار رد دعوی به طرفیت وی را صادر نماید.

ایراد عدم احراز سمت خوانده: اگر خوانده سمتی در دعوا نداشته باشد خواهان می تواند ایراد عدم سمت خوانده را مطرح کند مثلاً فردی از شرکت سهامی شکایت نماید اما به جای مدیرعامل معاون او حاضر شود.

ایراد عدم توجه دعوا: اگر موضوع دعوا متوجه خوانده نباشد قرار رد دعوا صادر میگردد. مثال فروش فرش به تاجر پارسی به تائیدتاجر لندنی **ایراد ناظر به موضوع دعوا:**

ایراد فقد اثر قانونی: در جایی که دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد مثلاً فردی به عنوان موقوف له درحالی که قبض واقع نشده باشد تقاضای اجرت منافع مال موقوفه را بدهد.

ایراد عدم مشروعیت دعوا: نامشروع بودن دعوا نسبت به سبب و موضوع آن قابل تصور است. خواهان دادخواست مطالبه وجه حاصل از قمار بدهد ایرادات ناظر به شیوه طرح دعوا:

ایراد عدم جزمیت خواسته: دعوا باید جزمی بوده و احتمالی نباشد.

ایراد زمان اقامه دعوا: در قانون کنونی ایراد مرور زمان بدلیل پیشبینی دیدگاه و نظریه شورای نگهبان بود که این ایراد را مخالف شرع می داند.

ایراد ناظر به سابقه طرح دعوا:

مبنای و گستره امر مختومه یا ایراد اعتبار امر قضاوت شده: یک دعوا پس از آنکه رسیدگی شد و دادگاه درباره آن حکم قطعی صادر نمود دیگر قابل طرح در دادگاهها نباشد. مبنای این هدف به نظر اماره صحت آرای دادگاه است.

وحدت موضوع دو دعوا: برای استماع این ایراد باید موضوع دو دعوا یکسان باشد. موضوع دعوا چیزی است که از دادگاه خواسته شده و مورد حکم او قرار گرفته است.

وحدت اصحاب دو دعوی: اگر اصحاب دعوای اول مجدداً همان دعوا را مطرح نمایند همچنین دعوایی که یک شخص مطرح می نماید قدرت طرح مجدد را از قائم مقامان وی نیز می گیرد.

وحدت سبب دو دعوا: سبب یا جهت به طور کلی عبارت است از عمل حقوقی یا واقعه حقوق و دلایلی که مبنای حقوقی دعوا را تشکیل می دهد. بدین معنا اگر سبب دو دعوا یکسان باشد این ایراد قابل طرح است.

طواری دادرسی ناشی از درخواست تامین در دعوا:

تامین در اصطلاح حقوقی ایمن کردن است که حسب موردنسبت به خواسته، دلایل، دعوای واهی و یا در برابر دعوای اتباع بیگانه انجام می شود.

تعریف تامین خواسته: همواره این احتمال وجود دارد که خوانده در اثنا دادرسی یا پس از صدور حکم و قبل از اجرا قادر باشد خواسته را تلف

نموده و یا قبل از محکومیت به پرداخت دین کلیه اموال خود را به نام دیگران کند لذا تدبیری لازم است تا حقوق خواهان محفوظ و خواسته او

تامین شود. قانون گذار تعریف خاصی از آن ارائه نکرده و در ماده ۱۲۱ خود را به معنای توقیف اموال اعم از منقول و غیر منقول تلقی کرده است.

ماهیت تامین خواسته: قرار تامین خواسته از جنس تصمیمات قضایی بوده و فصل آن از تصمیمات نهایی مقدماتی، تبعی و موقتی بودن آن است.

شرایط صدور تامین خواسته :

درخواست متقاضی : ذینفع باید تامین خواسته را درخواست کند و دادگاه نمی تواند راسا چنین قراری صادر نماید. ذینفع کسی است که در دعوی اصلی خواهان محسوب می شود و در عمل معمولاً تامین خواسته را به همراه دادخواست اصلی می دهد و ال مکلف است ظرف ۱۰ روز دادخواست اصلی را تقدیم نماید .

قابل مطالبه بودن خواسته : اینکه خواسته باید حال و منجز باشد یعنی زمان مطالبه آن بعداً فرا نرسد و یا مشروط به تحقق شرطی نباشد .

قابل تامین بودن خواسته : خواسته ای قابل تامین است که بتوان آنرا بطور موقت حفظ نمود از این رو موضوعات غیر مالی قابلیت تامین ندارد.

قابلیت توجیه تامین : تقاضای تامین خواسته باید مدلل و مجاب کننده باشد که مقنن تامین برخی موضوعات را خود بخود موجه می داند که عبارتند از خواسته مستند به سند رسمی یا سند تجاری و اخواست شده مثل چک برات و سفته اگر و اخواست شده باشد .

آثار تامین خواسته :

اجرای تامین خواسته و چگونگی اجرای آن : در صورتی که درخواست تامین شده باشد مدیر دفتر مکلف است پرونده را فوری به نظر دادگاه برساند و دادگاه قرار تامین خواسته را در جلسه اداری و فارغ از تشریفات و اخطار به طرف مقابل صادر نماید .

زوال تامین خواسته و آثار آن : اگر قرار تامین خواسته صادر شود حتی اگر اموالی از خوانده توقیف گردد با توجه به اینکه این قرار تبعی و موقتی است امکان زوال آن وجود دارد . به عنوان مثال اگر پس از ابلاغ قرار تامین خواسته به خوانده وی ظرف ۱۰ روز به آن اعتراض نماید و دادگاه در اولین جلسه ای که پس از اعتراض فرا می رسد این قرار را فسخ کند تامین خواسته از بین می رود .

تامین هزینه دادرسی

مفهوم و شرایط تامین هزینه دادرسی : گاه اتفاق می افتد که اشخاص به جهاتی نامشروع برای مثال اعمال غرض و ایذا و یا بدلیل نا آگاهی اقدام به اقامه دعوا کرده و موجب ورود خسارت به خوانده و نیز اشغال اوقات دادگاه می گردد . بنا بر این تفاوتی نمی کند دعوا اصلی یا طاری باشد خواهان اصلی ، جلب کننده ثالث یا خواهان دعوی اضافی در صورت واهی بودن ، به درخواست خوانده موظف به دادن تامین هستند . در امور حسبی نیز همین قاعده حکم فرماست مگر در مواردی که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است مثل امور مربوط به غایب مفقودالثر - درخواست مهر و موم ترکه - تصدیق انحصار وراثت و ... که در این موارد سپردن تامین هزینه دادرسی لازم الاجرا نیست .

مواردی که در آنها تامین اخذ نمی شود : الف : امور حسبی که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است مثل امور مربوط به غایب مفقودالثر - درخواست مهر و موم ترکه - تصدیق انحصار وراثت و ... ب: دعاوی که مستند آنها چک سفته و برات باشد ج : دعاوی مستند به اسناد رسمی د: دعاوی علیه متوقف

طواری ناشی از تامین در برابر دعوی اتباع بیگانه :

فلسفه تامین در برابر دعوی اتباع بیگانه : ممکن است او پس از طرح چنین دعوایی کشور را ترک گفته و خسارات خوانده جبران نشده باقی بماند

شرایط اخذ تامین در برابر دعوی اتباع بیگانه : ۱- خواهان دعوا تبعه ایران نباشد ۲- خوانده تبعه ایران باشد ۳- دادگاه نمی تواند راسا تامین اخذ نماید ۴- اخذ تامین باید تا پایان جلسه اول دادرسی درخواست شود .

مواردی که از اتباع بیگانه استثنائاً تامین اخذ نمی شود : ۱- در کشورش ایرانی از دادن تامین معاف باشد ۲- دعاوی راجع به برات سفته و چک باشد ۳ - دعاوی تبعه خارجی متقابل باشد ۴- دعاوی مستند به سند رسمی ۵- دعاوی براتر آگهی رسمی اقامه شده است

داوری :

داوری معادل قاضی تحقیق می باشد .

ماده ۴۹۶ - دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست : ۱- دعاوی ورشکستگی ۲- دعاوی راجع به اصل نکاح ، فسخ آن ، طلاق و نسب شرایط ایجاد داوری تراضی طرفین می باشد . فقط یک مورد داوری اجباری وجود دارد و آن هم داوری در دعاوی خانوادگی در طلاق می باشد.

ماده ۴۸۱ - در موارد زیر داوری از بین می رود : ۱: با تراضی کتبی طرفین دعوا ۲ : با فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا

در کلیه موارد رجوع به داور ، طرفین می توانند انتخاب داور یا داوران را به شخص ثالث یا دادگاه واگذار کنند

ماده ۴۶۸ - ابتدای مدت داوری روزی است که داوران قبول داوری کرده و موضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و داوران به همه آنها ابلاغ شده باشد

ماده ۴۸۰ - داوران نمی توانند بر خلاف مفاد حکمی که در امر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب صادر شده رأی بدهند

ماده ۴۸۲ - رأی داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد.

ماده ۴۹۷ - پرداخت حق الزحمه داوران به عهده طرفین است مگر آنکه در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد

ماده ۴۹۹ - در صورت تعدد داور ، حق الزحمه بالسویه بین آنان تقسیم می شود . م ۵۰۱ - هر گاه در اثر تدلیس ، تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه داوران ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعوی گردد ، داوران برابر موازین قانونی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود .

باب هفتم : داوری

ماده ۴۵۴ - کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی دارند می توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد ، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند

ماده ۴۵۵ - متعاملین می توانند ضمن معامله ملزم شوند و یا به موجب قرارداد جداگانه تراضی نمایند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه کنند و نیز می توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند .

تبصره - در کلیه موارد رجوع به داور ، طرفین می توانند انتخاب داور یا داوران را به شخص ثالث یا دادگاه واگذار کنند .

ماده ۴۵۶ - در مورد معاملات و قراردادهای واقع بین اتباع ایرانی و خارجی ، تا زمانی که اختلافی ایجاد نشده است طرف ایرانی نمی تواند به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیأتی ارجاع نماید که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد . هر معامله و قراردادی که مخالف این منع قانونی باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر خواهد بود .

ماده ۴۵۷ - ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می گیرد . در مواردی که طرف دعوی خارجی و یا موضوع دعوی از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده ، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است .

ماده ۴۵۸ - در هر مورد که داور تعیین می شود باید موضوع و مدت داوری و نیز مشخصات طرفین و داور یا داوران به طوری که رافع اشتباه باشد تعیین گردد . در صورتی که تعیین داور بعد از بروز اختلاف باشد ، موضوع اختلاف که به داوری ارجاع شده باید به طور روشن و مشخص و مراتب به داوران ابلاغ شود .

تبصره - قراردادهای داوری که قبل از اجراء این قانون تنظیم شده اند با رعایت اصل (۱۳۹) قانون اساسی تابع مقررات زمان تنظیم می باشند .

ماده ۴۵۹ - در مواردی که طرفین معامله یا قرارداد متعهد به معرفی داور شده ولی داور یا داوران خود را معین نکرده باشد و در موقع بروز اختلاف نخواهند و یا نتوانند در معرفی داور اختصاصی خود اقدام و یا در تعیین داور ثالث تراضی نمایند و تعیین داور به دادگاه یا شخص ثالث نیز محول نشده باشد ، یک طرف می تواند داور خود را معین کرده به وسیله اظهارنامه رسمی به طرف مقابل معرفی و درخواست تعیین داور نماید و یا نسبت به تعیین داور ثالث تراضی کند . در این صورت طرف مقابل مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهار نامه داور خود را معرفی و یا در تعیین داور ثالث تراضی نماید . هر گاه تا انقضاء مدت یاد شده اقدام نشود ، ذینفع می تواند حسب مورد برای تعیین داور به دادگاه مراجعه کند .

ماده ۴۶۰ - در مواردی که مقرر گردیده است حل اختلاف به یک نفر داور ارجاع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب داور تراضی نمایند و نیز در صورتی که داور یکی از طرفین فوت شود ، یا استعفاء دهد و طرف نامبرده نخواهد جانشین او را معین کند و یا در هر موردی که انتخاب داور به شخص ثالث واگذار شده و آن شخص از تعیین داور امتناع نماید یا تعیین داور از طرف او غیر ممکن باشد ، هر یک از طرفین می توانند با معرفی داور مورد نظر خود وسیله اظهارنامه از طرف مقابل درخواست نمایند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهار نامه نظر خود را در مورد داور واحد اعلام کند و یا حسب مورد در تعیین جانشین داور متوفی یا مستعفی یا داوری که انتخاب او وسیله ثالث متعذر گردیده اقدام نماید . در صورتی که با انقضاء مهلت اقدامی به عمل نیاید ، برابر قسمت اخیر ماده قبل عمل خواهد شد .

ماده ۴۶۱ - هر گاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می نماید .

ماده ۴۶۲ - در صورتی که طرفین نسبت به دادگاه معینی برای انتخاب داور تراضی نکرده باشند ، دادگاه صلاحیتدار برای تعیین داور ، دادگاهی خواهد بود که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد .

ماده ۴۶۳ - هر گاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی ننمایند ، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود .

ماده ۴۶۴ - در صورتی که در قرارداد داوری ، تعداد داور معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین داور یا داوران توافق کنند ، هر یک از طرفین باید یک نفر داور اختصاصی معرفی و یک نفر به عنوان داور سوم به اتفاق تعیین نمایند .

ماده ۴۶۵ - در هر مورد که داور یا داوران ، وسیله یک طرف یا طرفین انتخاب می شود ، انتخاب کننده مکلف است قبولی داوران را اخذ نماید ، ابتدای مدت داوری روزی است که داوران قبول داوری کرده و موضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و داوران به همه آنها ابلاغ شده باشد .

ماده ۴۶۶ - اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی توان به عنوان داور انتخاب نمود :

۱- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند .

۲- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده اند .

ماده ۴۶۷ - در مواردی که دادگاه به جای طرفین یا یکی از آنان داور تعیین می کند ، باید حداقل از بین دو برابر تعدادی که برای داوری لازم است و واجد شرایط هستند داور یا داوران لازم را به طریق قرعه معین نماید .

ماده ۴۶۸ - دادگاه پس از تعیین داور یا داوران و اخذ قبولی ، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام و نام خانوادگی داور یا

داوران و مدت داوری را کتباً به داوران ابلاغ می نماید . در این مورد ابتدای مدت داوری تاریخ ابلاغ به همه داوران می باشد . www.jozveh.blog.ir

ماده ۴۶۹ - دادگاه نمی تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین :

۱- کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد .

۲- کسانی که در دعوی ذینفع باشند .

۳- کسانی که با یکی از اصحاب دعوی قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند .

۴- کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوی می باشند یا یکی از اصحاب دعوی مباشر امور آنان باشد .

۵- کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوی باشند .

۶- کسانی که با یکی از اصحاب دعوی یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوی دارند ، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند .

۷- کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوی یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند .

۸- کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان .

ماده ۴۷۰ - کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی توانند داوری نمایند هر چند با تراضی طرفین باشد .

ماده ۴۷۱ - در مواردی که داور با قرعه تعیین می شود ، هر یک از طرفین می توانند پس از اعلام در جلسه ، در صورت حضور و در صورت غیبت از تاریخ ابلاغ تا ده روز ، داور تعیین شده را رد کنند . مگر اینکه موجبات رد بعداً حادث شود که در این صورت ابتدای مدت روزی است که علت رد حادث گردد . دادگاه پس از وصول اعتراض ، رسیدگی می نماید و چنانچه اعتراض را وارد تشخیص دهد داور دیگری تعیین می کند .

ماده ۴۷۲ - بعد از تعیین داور یا داوران ، طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی طرفین .

ماده ۴۷۳ - چنانچه داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داوری حاضر نشده یا استعفاء دهد و یا از دادن رای امتناع نماید . علاوه بر جبران خسارات وارده تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود .

ماده ۴۷۴ - نسبت به امری که از طرف دادگاه به داوری ارجاع می شود اگر یکی از داوران استعفا دهد یا از دادن رأی امتناع نماید و یا در جلسه داوری دو بار متوالی حضور پیدا نکند ، دو داور دیگر به موضوع رسیدگی و رأی خواهند داد . چنانچه بین آنان در صدور رای اختلاف حاصل شود ، دادگاه به جای داوری که استعفاء داده یا از دادن رأی امتناع نموده یا دوبار متوالی در جلسه داوری حضور پیدا نکرده ظرف مدت ده روز داور دیگری به قید قرعه انتخاب خواهد نمود ، مگر اینکه قبل از انتخاب به اقتضاء مورد ، طرفین داور دیگری معرفی کرده باشند . در اینصورت مدت داوری از تاریخ قبول داور جدید شروع می شود

در صورتی که داوران در مدت قرارداد داوری یا مدتی که قانون معین کرده است نتوانند رأی بدهند و طرفین به داوری اشخاص دیگر تراضی نکرده باشند ، دادگاه به اصل دعوی وفق مقررات قانونی رسیدگی و رأی صادر می نماید .

تبصره : در موارد فوق رای اکثریت داوران ملاک اعتبار است ، مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

ماده ۴۷۵ - شخص ثالثی که برابر قانون به دادرسی جلب شده یا قبل یا بعد از ارجاع اختلاف به داوری وارد دعوی شده باشد ، می تواند با طرفین دعوی اصلی در ارجاع امر به داوری و تعیین داور یا داوران تعیین شده تراضی کند و اگر موافقت حاصل نگردد ، به دعوی او برابر مقررات به طور مستقل رسیدگی خواهد شد .

ماده ۴۷۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند . داوران نیز می توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برای اتخاذ تصمیم جلب نظر کارشناس ضروری باشد ، کارشناس انتخاب نمایند .

ماده ۴۷۷ - داوران در رسیدگی و رأی ، تابع مقررات قانون آئین دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند .

ماده ۴۷۸ - هر گاه ضمن رسیدگی مسائلی کشف شود که مربوط به وقوع جرمی باشد و در رأی داور موثر بوده و تفکیک جهات مدنی از جزائی ممکن نباشد و همچنین در صورتی که دعوا مربوط به نکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امری که رجوع به داوری شده متوقف بر رسیدگی به اصل نکاح یا طلاق یا نسب باشد ، رسیدگی داوران تا صدور حکم نهایی از دادگاه صلاحیتدار نسبت به امر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف می گردد .

ماده ۴۷۹ - ادعای جعل و تزویر در سند بدون تعیین عامل آن و یا در صورتی که تعقیب وی به جهتی از جهات قانونی ممکن نباشد ، مشمول ماده قبل نمی باشد .

ماده ۴۸۰ - حکم نهایی یاد شده در ماده (۴۷۸) توسط دادگاه ارجاع کننده دعوی به داوری یا دادگاهی که داور را انتخاب کرده است به داوران ابلاغ می شود و آنچه از مدت داوری در زمان توقف رسیدگی داوران باقی بوده از تاریخ ابلاغ حکم یاد شده حساب می شود . هر گاه داور بدون دخالت دادگاه انتخاب شده باشد ، حکم نهایی وسیله طرفین یا یک طرف به او ابلاغ خواهد شد .

داوران نمی توانند بر خلاف مفاد حکمی که در امر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب صادر شده رأی بدهند .

ماده ۴۸۱ - در موارد زیر داوری از بین می رود : ۱ : با تراضی کتبی طرفین دعوا ۲ : با فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا

ماده ۴۸۲ - رأی داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد .

ماده ۴۸۳ - در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می توانند دعوی را با صلح خاتمه دهند . در این صورت صلح نامه ای که به امضاء داوران رسیده باشد معتبر و قابل اجراء است .

ماده ۴۸۴ - داوران باید از جلسه ای که برای رسیدگی یا مشاوره و یا صدور رأی تشکیل می شود مطلع باشند و اگر داور از شرکت در جلسه یا دادن رای یا

امضاء آن امتناع نماید، رأی که با اکثریت صادر می شود مناط اعتبار است مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد. مراتب نیز باید در برگ رأی قید گردد. ترتیب تشکیل جلسه و نحوه رسیدگی و دعوت برای حضور در جلسه، توسط داوران تعیین خواهد شد. در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه بوده، دعوت به حضور در جلسه به موجب اخطاریه دفتر دادگاه بعمل می آید.

تبصره - در مواردی که طرفین به موجب قرارداد ملزم شده اند که در صورت بروز اختلاف بین آنان شخص یا اشخاص معینی داوری نماید اگر مدت داوری معین نشده باشد مدت آن سه ماه و ابتدای آن از روزی است که موضوع برای انجام داوری به داور یا تمام داوران ابلاغ می شود. این مدت با توافق طرفین قابل تمدید است.

ماده ۴۸۵ - چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ رأی داوری پیش بینی نکرده باشند، داور مکلف است رأی خود را به دفتر دادگاه ارجاع کننده دعوی به داور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد تسلیم نماید. دفتر دادگاه اصل رأی را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به دستور دادگاه برای اصحاب دعوی ارسال می دارد.

ماده ۴۸۶ - هر گاه طرفین رأی داور را به اتفاق به طور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند، آن رأی در قسمت مردود بلااثر خواهد بود.

ماده ۴۸۷ - تصحیح رأی داوری در حدود ماده (۳۰۹) این قانون قبل از انقضاء مدت داوری راساً با داور یا داوران است و پس از انقضاء آن تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور، به درخواست طرفین یا یکی از آنان با داور یا داوران صادر کننده رأی خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ تقاضای تصحیح رأی اتخاذ تصمیم نمایند. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. در این صورت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضاء مدت یاد شده متوقف می ماند.

ماده ۴۸۸ - هر گاه محکوم علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ، رأی داوری را اجراء ننماید، دادگاه ارجاع کننده دعوی به داوری و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد مکلف است به درخواست طرف ذینفع طبق رأی داور برگ اجرایی صادر کند. اجراء رأی برابر مقررات قانونی می باشد.

ماده ۴۸۹ - رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد.

۱- رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.

۲- داور نسبت به مطالبی که موضوع داوری نبوده، رأی صادر کرده است.

۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می گردد.

۴- رأی داور پس از انقضاء مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.

۵- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوی در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.

۶- رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده اند.

۷- قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

ماده ۴۹۰ - در مورد ماده فوق هر یک از طرفین می تواند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوی را ارجاع به داوری کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست رسیدگی کرده، هر گاه رأی از موارد مذکور در ماده فوق باشد حکم به بطلان آن دهد و تا رسیدگی به اصل دعوی و قطعی شدن حکم به بطلان، رأی داور متوقف می ماند.

تبصره - مهلت یاد شده در این ماده و ماده (۴۸۸) نسبت به اشخاصی که مقیم خارج از کشور می باشند دو ماه خواهد بود. شروع مهلت های تعیین شده در این ماده و ماده (۴۸۸) برای اشخاصی که دارای عذر موجه به شرح مندرج در ماده (۳۰۶) این قانون و تبصره (۱) آن بوده اند پس از رفع عذر احتساب خواهد شد.

ماده ۴۹۱ - چنانچه اصل دعوی در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به داوری ارجاع شده باشد، در صورت اعتراض به رأی داور و صدور حکم به بطلان آن، رسیدگی به دعوی تا قطعی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف می ماند.

تبصره - در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده و رأی داور باطل گردد، رسیدگی به دعوی در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد.

ماده ۴۹۲ - در صورتی که درخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار رد درخواست را صادر می نماید. این قرار قطعی است.

ماده ۴۹۳ - اعتراض به رأی داور مانع اجراء آن نیست، مگر آنکه دلائل اعتراض قوی باشد، در این صورت دادگاه قرار توقف منع اجراء آن را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر می نماید و در صورت اقتضاء تأمین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد.

ماده ۴۹۴ - چنانچه دعوی در مرحله فرجامی باشد و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادر کننده رأی فرجام خواسته ارسال می دارد.

ماده ۴۹۵ - رأی داور فقط درباره طرفین دعوی و اشخاصی که دخالت و شرکت در تعیین داور داشته اند و قائم مقام آنان معتبر است و نسبت به اشخاص دیگر تاثیری نخواهد داشت.

ماده ۴۹۶ - دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست: ۱- دعاوی ورشکستگی ۲- دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب

ماده ۴۹۷ - پرداخت حق الزحمه داوران به عهده طرفین است مگر آنکه در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۴۹۸ - میزان حق الزحمه داوری بر اساس آیین نامه ای است که هر سه سال یکبار توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۴۹۹ - در صورت تعدد داور، حق الزحمه بالسویه بین آنان تقسیم می شود.

ماده ۵۰۰ - چنانچه بین داور و اصحاب دعوی قراردادی در خصوص میزان حق الزحمه منعقد شده باشد ، برابر قرارداد عمل خواهد شد .

ماده ۵۰۱ - هر گاه در اثر تدلیس ، تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه داوران ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعوی گردد ، داوران برابر موازین قانونی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود .